معنی لغات جدید درس پنجم

غلام : خدمتکار ، نوکر　　کارمت : که برایت بیاورم　　ارمغان : هدیه ،سوغات

گریستن : گریه کردن　　خواجه : بزرگ ،سرور،تاجر　　قضا : سرنوشت،تقدیر

حبس : زندان ، بازداشت　　شکّرسخن :شیرین سخن ، شیرین گفتار　　خطّه: سرزمین

بازرگان: تاجر　　گران بها: قیمتی ، باارزش　　کان: که آن　　مشتاق:دارای شوق ،آرزومند

صحنه: منظره ای واقعی یا خیالی که رویدادی را نشان می دهد.　　زین: از این　　خام : بیهوده،ناپخته،نسنجیده

تجارت : بازرگانی،داد و ستد، معامله　　تپید : جنبید،حرکت کرد ، بی قرار شد　　راس : واحد شمارش چهارپایان

شادکام: خوشحال　　کنیزک: خدمتکار،زنی که برده باشد　　بازگو: بیان کردن،دوباره گفتن

همتا : مانند، مثل　　زهره اش بدرید : ترسید　　دلداری دهد: همدردی کند،غم خواری کند

بند : طناب ، ریسمان　　کول : شانه و دوش　　قافله : کاروان ، گروه همسفر　　مرغان : پرندگان

واژگان هم خانواده

(شگفت زده - شگفت انگیز)　　(مشتاق - اشتیاق - شوق)　　(پیام - پیام رسان - پیامبر)

(موضوع - وضع - اوضاع)　　(شرمنده - شرمسار - شرمگین)　　(شکایت - شاکی)

(سکوت - ساکت)　　(تجارت - تاجر - تجّار)